

## رابطه گفتمانی میان منتقد و متن ادبی

۱ محسن احمدی

۲ حسینعلی قبادی

### چکیده

گفتمان از مباحث جدیدی است که حدوداً از دهه هفتاد میلادی وارد مباحث نقد ادبی شده است. البته امروزه گفتمان معنایی کاملاً متفاوت‌تر از قبل یافته است. قبلاً گفتمان عرضه منظم یک موضوع در قالب گفتار یا نوشتار بود اما امروزه آنچه از گفتمان فهم می‌شود نحوه سازمان‌بندی اجتماعی محتواها در کاربرد است. هدف ما در این نوشتار بررسی رابطه میان نقد و متن بر پایه‌ی نظریه گفتمان است.

روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی بوده و سعی شده است که ضمن ارائه تاریخچه‌ای مختصر از مراحل مختلف زبان‌شناسی در طی دهه‌های گذشته که زیر بنای اصلی مباحث نقد ادبی جدید می‌باشد، نگاه تازه‌ای را که در حوزه رابطه میان منتقد و متن ادبی بوجود آمده معرفی و تبیین کنیم.

در نهایت می‌توان گفت امروزه رابطه میان منتقد و متن یک رابطه دیالوگی و گفتگومند می‌باشد. منتقد صرفاً شارح نظرات مولف نیست، بلکه خود نیز در ارتباط با متن و گفتگوی با آن افق‌های تازه‌ای از معنا را کشف و تبیین می‌نماید. متن از یک طرف برآمده از گفتمان (به معنی فوکویی) بوده و از طرف دیگر رابطه‌ای که با منتقد دارد، رابطه‌ای گفتمانی و دیالوگی می‌باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان، نقد، متن، زبان‌شناسی انتقادی

### هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی مقدمه

رابطه میان نقد و متن از دیرباز مورد توجه علمای نقد ادبی بوده است. کتاب‌ها و مقالات بسیاری در تبیین رابطه بین این دو نگاشته شده‌اند که هر کدام از وجهی دارای ارزش و اعتبار ویژه و مخصوص به خود می‌باشند؛ اما آنچه که ما قرار است در این مقاله به آن پردازیم رابطه گفتمانی میان نقد و متن است که تاکنون آنچنان که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. مساله تحقیق ما این است که چه ارتباطی بین متن و منتقد برقرار است؟ منتقد خودش را بر متن مسلط می‌داند یا هم طراز با آن قرار می‌گیرد؟ چگونه دیالوگ برابر و هم سطح بین متن و منتقد شکل می‌گیرد؟

نقد ادبی امروز جهان می‌گوید منتقد و متن در یک طراز و هم سطح با هم در تولید معنا مشارکت دارند. در رابطه گفتمانی منتقد با متن دیالوگ می‌کند و از دیالوگ متن و منتقد است که معنا تولید می‌گردد. در این رابطه منتقد دیگر

خاموش و بیطرف نیست بلکه با گفتگو کردن با متن خود مکمل و مقوم معناست.

### تعریف گفتمان

Discourse مشتق از فعل Discourir است که در قرن دوازدهم وارد زبان فرانسه شده است. این فعل به معنای دویدن از این طرف به آنطرف است و تنها در زبان لاتین عامیانه معنای Discourir (صحبت کردن، نطاقی و حرافی کردن) را داشته است. (کهنمویی پور، ۱۳۸۱، ۲۳۴) معادل Discourse را در زبان فارسی کلماتی مانند سخن، نوشتمان و گفتمان گذاشته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد بهترین معنی همین کلمه گفتمان باشد. مکاریک در تعریف گفتمان می‌نویسد: «امروزه گفتمان در دو معنای متفاوت اما مرتبط به کار می‌رود. یکی به معنای "یک قطعه بزرگ زبانی" اشاره دارد و دیگری به سازمان‌بندی اجتماعی محتواها در کاربرد.» (مکاریک، ۱۳۹۱، ۲۵۶)

ایبرمز می‌نویسد: «در نقد پس‌اساختار گرا سخن (نوشتمان) [یا گفتمان] به یک اصطلاح بسیار چشمگیر و حائز اهمیت تبدیل شده است که متمم و جایگزین واژه متن گردید و عنوانی برای آن دسته از عناصر زبانی است که موضوع اصلی نقد ادبی‌اند. اما در کاربرد پس‌اساختارگرا اصطلاح نوشتمان به متون گفت و گویی محدود نمی‌گردد؛ بلکه به مانند نوشتار به معنای تام ساختارهای کلامی است... نوشتمان مخصوصا به اصطلاحی محوری در میان آن دسته از منتقدانی تبدیل شد که در مقابل این نگرش واسازی قرار داشتند که معتقد بود "یک متن عادی" مستقل از شرایط خاص تاریخی عمل می‌کند. این منتقدان نوشتمان را یک "سبک گفتار" اجتماعی یا "زبان در کاربرد" تلقی می‌کنند... به نظر آنان نوشتمان محصول شرایط اجتماعی خاص، ساختارهای طبقاتی و روابط قدرت است که در گذر و تاریخ تغییر می‌کنند. (ایبرمز، ۱۳۸۷، ۳۴۸) «در کاربرد شناختی، گفتمان دارای دو نقش زبانی است: نقش بینافردی و نقش متنی. گفتمان از آن جهت نقش بینا فردی دارد که بر شیوه‌ای که ما از زبان به عنوان وسیله‌ای برای تعامل با دیگران استفاده می‌کنیم متمرکز است و نقش متنی آن به دلیل تأکیدی است که بر توانایی ما برای ساختن متونی منسجم و پیوسته دارد.» (داد، ۱۳۸۳، ۴۰۹) سارا میلز بعد از نقل این جمله مکدائل (از مشاهیر نظریه پردازان گفتمان) که: «گفتگو یا دیالوگ شرط اولیه گفتمان است، همه گفتارها و نوشتارها اجتماعی هستند.» می‌گوید: «بنابر این یک گفتمان نه مجموعه انتزاعی از احکام؛ بلکه مجموعه‌ای پاره گفتارها یا احکام هستند که در بطن یک بافت اجتماعی وضع می‌شوند، توسط همان بافت اجتماعی تعیین می‌یابند و موجبات تداوم همان بافت اجتماعی را فراهم می‌آورند. از عوامل موثر بر گفتمان: ۱- دیالوگ گفتمان‌ها با هم و تعامل و تعارض آنها با همدیگر ۲- گفتمان به لحاظ اصولی حول محور طرد یا کنارگذاری سازمان می‌یابند.» (میلز، ۱۳۸۸، ۲۰)

### تاریخچه:

این مبحث یکی از مباحث روز نقد ادبی جهان است که از جمله نظریه پردازان آن، تودوروف، باختین، فوکو و دیگران می‌باشند. متأسفانه این مبحث در نقد ادبی ایران چندان بدان پرداخته نشده است. حمیدرضا شعیری، بهمین

نامور مطلق، حسین پاینده و دیگران از معدود افرادی هستند که در داخل کشور به این موضوع جدید نقد ادبی پرداخته‌اند. گفتمان از مفاهیم جدیدی است که از دهه هفتاد به بعد وارد مطالعات ادبی و زبان‌شناسی شده است. «البته تا سی سال پیش گفتمان همان معنای سنتی خود را داشت و عبارت بود از عرضه منظم یک موضوع معین در قالب نوشتار یا گفتار.» (مکاریک، ۱۳۹۰، ۲۵۶) شعیری در کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه-معنا شناختی گفتمان» می‌گوید مطالعات زبان‌شناسی سه مرحله اساسی را از سر گذرانده است:

۱- مرحله ساختگرایی که سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ را دربر می‌گیرد.

۲- مرحله گفتمانی که سالهای ۱۹۷۰-۱۹۸۰ را شامل می‌شود.

۳- مرحله تعاملی که در سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ به آن پرداخته شده و همچنان ادامه دارد. (شعیری، ۱۳۸۹، ۴۰) اگر در دوره اولیه نگاه متفکرین این دوره به ساختار گفتمان منهای گفته پرداز و بافت گفتمان بود در دوره دوم توجه متفکرین این دوره به گفته پرداز و بافتی که گفتمان در آن تولید می‌شود معطوف گردید، در دوره سوم که می‌توان آن را دوره تحلیل گفتمان انتقادی نامید علاوه بر گفته پرداز و بافت تاریخی اجتماعی که گفته در آن تولید می‌شود، روابط قدرت در بافت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. فردوس آقاگل زاده در کتاب "تحلیل گفتمان انتقادی" تفاوت‌های نگرش زبان‌شناسی صورتگرا (ساختارگرا) با زبان‌شناسی انتقادی را در موارد زیر برمی‌شمرد:

۱- نظریه زبان‌شناسی مسلط نظریه‌ای ضد تاریخی است درحالی‌که گفتمان انتقادی کاملاً تاریخ‌گراست. گفتمان انتقادی شرایط محیطی، تاریخ و فرهنگ و اجتماع را در تولید متن موثر می‌داند درحالی‌که زبان‌شناسی مسلط این‌طور عمل نمی‌کند.

۲- نظریه صورتگرا هیچ توجه آشکاری به شخص به کارگیرنده زبان که محصول تاریخ و اجتماع است نکرده است.

۳- واحد تحلیل در رویکرد صورتگرایی جمله یا بند است اما در رویکرد زبان‌شناسی انتقادی واحد تحلیل، متن است. متن محل تجلی و تبلور معنی است. (آقا گل زاده، ۱۳۸۵، ۱۲۰)

مکاریک نیز در کتاب "دانش‌نامه‌ی نظریه‌ادبی" می‌نویسد: «توجه به فهم زبان در بافت ارتباط، کانون فهم امروزی

ما از گفتمان است. معنای بافت ارتباط از یک حوزه پژوهشی به حوزه دیگر تفاوت می‌کند.» (مکاریک، ۱۳۹۰، ۲۵۶) می‌توان گفت، گفتمان از گذشته تاکنون در سه حوزه مختلف، معنایی متفاوت یافته است. یعنی با توجه به زمینه یا بافت معنایی تعریف خاصی از آن صورت گرفته است: الف) در حوزه زبان‌شناسی: که توجه آنها بیشتر به صورت‌های زبانی است. «این برخورد زبان‌شناختی توجهش معطوف به ویژگی‌های صوری قطعات زبانی بزرگتر از جمله است، ویژگی‌هایی مانند بسامد واژه‌ها، ساختارهای نحوی، هم‌آیی‌های واژگانی، نظم ساختارهای خود متن و غیره» (همان ب) در حوزه جامعه‌شناسی و اجتماعی: این نوع از گفتمان توجهش به وجه کارکردی زبان است. «دیدگاه نقش‌گرا گفتمان را زبان به هنگام کاربرد می‌داند و به بافت کاربرد زبان توجهی خاص نشان می‌دهد.» (سلطانی، ۱۳۹۱، ۳۰) هم چنین مکاریک می‌نویسد: «در چارچوب رویکردهای اجتماعی، متن (نوشتاری یا

گفتاری) جایگاهی مادی است که در آن معنایی که به طور اجتماعی شکل گرفته، سربر می‌آورد. متن وسیله تحقق معنای اجتماعی غیرمادی در زبان یا سایر شیوه‌های بازنمایی است.» (همان، ۲۵۸، ج) در حوزه فرهنگی: می‌توان بنیانگذار این نوع از برداشت را فوکو فیلسوف و مورخ فرانسوی دانست. «فوکو در پی یافتن پاسخ برای این پرسش بود که چه شرایطی در هر دوره تاریخی خاص موجب می‌شود گونه‌های خاصی از گفتمان به کار برده شوند و رواج یابند و در عوض بسیاری دیگر از عبارات و اظهاراتی که هم از نظر قواعد دستور زبان و هم از حیث اصول منطقی صحیح هستند مورد استفاده قرار نگیرد» (آقاگل زاده، ۱۳۸۵، ۱۴۲) در نگاه فوکو قدرت و ایدئولوژی در تولید گفتمان و متن تأثیر بالایی دارد.

### نقد ادبی

نقد ادبی در غرب قدمتی بس طولانی دارد و سرآغاز آن به پیش از میلاد مسیح یعنی به زمان افلاطون و ارسطو باز می‌گردد. مدرسی در تعریف نقد ادبی می‌نویسد: «نقد ادبی در [پی] تبیین و روشن ساختن و تفسیر اثر ادبی است تا نهمته‌های آن اثر را پیدا سازد.» (مدرسی، ۱۳۹۰، ۴۵۲) او همچنین در جای دیگر می‌نویسد: «نقد ادبی می‌کوشد با تجزیه و تحلیل اثر ادبی در حین بررسی ساختار و معنی اثر، شگردهایی را که باعث اعتلای آن اثر شده، کشف و عنوان سازد.» (همان، ۴۷۴) در کلمه نقد چهار کردار نهفته است. اولین عمل انتخاب است. انتخاب متن کاری است صددرصد وابسته به منتقد. دوم می‌تواند مقایسه باشد؛ مقایسه متون. البته از مقایسه است که به قضاوت می‌رسیم. گفتن خوبی‌ها و بدی‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌های یک متن. سوم قضاوت است و چهارم انتخاب رویکرد یا همان نظریه. نقد ادبی باید یک چارچوب معین و مشخصی داشته باشد. هیچ نقدی علمی و صحیح نیست مگر اینکه دارای قواعد و اصولی باشد که به این قواعد و اصول "نظریه ادبی" گفته می‌شود.

### پیوند گفتمان (در معنای تحلیل گفتمانی) و متن

متن بازتاب‌دهنده و متبلورکننده گفتمان (در معنای تحلیل گفتمانی آن) است. گفتمان خود را در قالب متن به خواننده می‌نمایاند. «گفتمان متن را از معنایی هدفمند و منسجم بهره مند می‌سازد. در واقع متن هویت محتوایی و معنایی خود را که در جهت هدفی خاص و منسجم شکل گرفته است، مدیون گفتمان است... بدین ترتیب متن گونه‌ای دالی و گفتمان گونه‌ای مدلولی است.» (شعیری، ۱۳۸۹، ۴۵) مدرسی نیز در مورد رابطه این دو نوشته است: «در نقد تحلیل گفتمان اصل بر این است که متن در هر شرایطی در بستری از گفتمان جریان دارد.» (مدرسی، ۱۳۹۰، ۴۰۳) متن زاییده گفتمان است.

## رابطه نقد و متن

رابطه نقد و متن را می‌توان در سیر تطور سه نظریه مهم بازخوانی کرد. نظریه نویسنده محور، نظریه متن محور و نظریه دریافت.

نظریه نویسنده محور: «غالباً نقد پیش از دهه ۱۹۵۰ و البته خیلی پس از آن را می‌توان نویسنده محور دانست.» (وبستر، ۱۳۸۲، ۳۲) در این نظریه، مولف در کانون توجه است و منتقد یا خواننده به عنوان عاملی خنثی باید به دنبال معنای مورد نظر مولف باشد. این گونه نقدها تک معنایی بوده و معنای مورد نظر مولف ارزش و اعتبار متن را مشخص می‌کند.

## نظریه متن محور:

از دهه ۱۹۵۰ به بعد نظریه پردازان بزرگی ظهور کردند که هرکدام تک معنایی بودن متن، و توجه به مولف را به چالش کشیدند. بزرگانی چون لویی استروس، رولان بارت، میشل فوکو، ژرار ژنت، آلتوسر و... در واقع تحولات ناشی از این دیدگاه حاکی از آنند که مولف معنا را ایجاد نمی‌کند بلکه معنا حاصل زبان به کار رفته در متن است. (همان، ۳۳) جاناتان کالر نیز می‌نویسد: «فرمالیست‌های روس با تغییر راستای توجه از نویسنده به تمهیدات کلامی مدعی شدند که تمهید یک قهرمان ادبیات است. به عوض اینکه پرسیم نویسنده اینجا چه می‌گوید؟ باید مثلاً پرسیم اینجا چه اتفاقی برای این شعر می‌افتد.» (کالر، ۱۳۸۲، ۱۶۳) از مشهورترین نظریه پردازان این حوزه رولان بارت می‌باشد. «بارت استدلال می‌کند که زبان سخن می‌گوید و نه نویسنده... هنگامی که متن منتشر می‌شود وابستگی میان نویسنده و متن قطع می‌شود و متن به وجودی مستقل تبدیل می‌گردد.» (وبستر، ۱۳۸۲، ۳۶) رولان بارت در جای دیگر می‌گوید: «تولد خواننده به بهای مرگ مولف است» (احمدی، ۱۳۷۲، ۲۰۱). این نظریه هرگونه توجه به مولف، تاریخ و بافتی که اثر در آن شکل گرفته را رد می‌کند و می‌گوید با متن باید به عنوان یک موجود زنده برخورد کرد و نباید برای یافتن معنای متن به دیدگاه مولف یا جامعه و تاریخ زندگی مولف رجوع کرد. «نقد اثر/متن محور- همچون نقد جدید ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰- با قائل شدن خود شعر به عنوان منشا معنا و غایت نقد، به همان اندازه خواننده را به جایگاهی حاشیه‌ای و بیرونی می‌راند.» (وبستر، ۱۳۸۲، ۵۰)

## نظریه دریافت:

«نظریه دریافت عنوانی است که عموماً برای اشاره به رویکردی در نقد ادبی به کار می‌رود که طی سال‌های آخر دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰، توسط استادان و دانشجویان دانشگاه کنستانس در آلمان غربی ساخته و پرداخته شد.» (مکاریک، ۱۳۹۱، ۳۴۰) مهم‌ترین متفکرین این مکتب هانت روبرت یاس و آیزر می‌باشند. یاس شاگرد گادامر و از نخستین متفکرین نظریه دریافت است. او تأکید می‌کند که خواننده افق انتظاراتش را در متن به محک آزمون می‌گذارد، «شاهکار روش شناختی نظریه یاس کاربست آشکار مفهوم "افق" است... به نظر یاس، افق به نظام یا

ساختاری از انتظارات اشاره دارد که فرد از متن دارد. آثار در محضر یک افق انتظار خواننده می‌شوند. وظیفه‌ی پژوهشگر ادبی "عینیت بخشیدن" به افق است... منتقد پس از آن که افق انتظار را مشخص کرد می‌تواند ارزش هنری یک اثر معین را با سنجیدن فاصله اثر با آن افق تعیین کند... اگر در جریان خواندن یک اثر معین، انتظارات خواننده به یاس مبدل نشوند یا از آنها تخطی نشود اثر مورد بحث اثری کم ارزش است.» (مکاریک، ۱۳۹۱، ۳۴۲) بابک احمدی نیز در تشریح شیوه‌ی کار یاس می‌نویسد: «نظریه‌ی یاس در مورد افق انتظارهای مخاطب به نظریه گادامر در مورد مکالمه نزدیک است. هر دو اندیشمند معتقدند که افق معنایی اثر در روزگار پدید آمدنش در مکالمه با افق معنایی امروز قرار می‌گیرد.» (احمدی، ۱۳۷۲، ۶۹۲)

### آیزر:

«آیزر در کنش خواندن نوشته است که دریافت خواننده را شناخت کار متن می‌داند و متن خود شرایط دریافت و پذیرش را تعیین می‌کند.» (احمدی، ۱۳۷۲، ۶۸۵) او معتقد است که متن پیامی نیست که از نویسنده به خواننده منتقل شود بلکه می‌کوشد تا معنا را محصول مشترک اثر و خواننده معرفی کند. «آیزر برای بررسی تعامل میان متن و خواننده، توجه خود را به آن دسته از ویژگی‌های متن که آن را قابل خواندن می‌کنند یا خواندن ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند و نیز آن دسته از ویژگی‌های فرآیند خواندن که برای فهمیدن متن ضروری هستند، معطوف می‌کند.» (مکاریک، ۱۳۹۱، ۳۴۲)

آیزر در کنار توجه ویژه اش به متن و خواننده از محیط اجتماعی متن نیز غافل نمی‌شود. «او میان متن و محیط اجتماعی که متن در آن شکل گرفته است رابطه می‌یابد... آیزر مشخص شدن قانده‌هایی را که نتیجه این مناسبت هستند، در مناسبات بینامتنی یافته است.» (احمدی، ۱۳۷۲، ۶۸۷)

رابطه گفتمانی نقد و متن

در گفتمان نقد امروزی، منتقد موجودی منفعل و جدا افتاده از تولید معنا نیست. امروزه منتقد با متن گفتگو می‌کند و معنا، محصول گفتمان منتقد با متن می‌باشد. «در گفتمان نقد جدید، مخاطب -شخصیت دیگر گفتمان- مظهر انسانی معنی گراست که با تامل و دوران‌دیشی در پاسخ به آغازگر گفتمان، ضمن تاکید بر معیارهای انسانی می‌کوشد تا مواضع لغزش وی را اصلاح کند.» (مدرسی، ۱۳۹۰، ۴۰۴)

دکتر بهمن نامور مطلق نیز به نقل از تودوروف می‌نویسد: «می‌توان بر اساس نظریه تودوروف به سه گونه نقد و رابطه منتقد و نویسنده و اثر اشاره نمود که عبارتند از:

### الف) یکسانی با خود:

در این وضعیت منتقد نقد را بر اساس شخص خود استوار و مطرح می‌کند، به گونه‌ای که خود را بر متن فرامی‌افکند.

ب) یکسانی با اثر:

در این وضعیت منتقد خود را با اثر منطبق می‌کند، چنانکه چیزی از خود ندارد و هرچه هست نویسنده و اثر است.

ج) تفسیر بر اساس رهیافت گفتگویی:

چنانکه منتقد و نویسنده هرکدام شخصیت خود را حفظ می‌کنند و در یک گفتگوی متقابل قرار می‌گیرند. (نامور مطلق، ۱۷، ۱۳۹۰) در مفهوم گفتگویی متن خاموش و ساکت نیست و موجودی زنده و پویاست که برای هر خواننده جدید معانی جدیدی را داراست. در این ساحت نقد و متن با هم دیالوگ می‌کنند و از این راه دریافت‌های تازه و معانیی بکر و ناب تولید می‌شود. «به نظر تودوروف، ناقد مکالمه‌ای فرض را بر این می‌گیرد که حقیقت قابل حصول است. وی معتقد است که رابطه مطلوب میان ناقد و متن مورد مطالعه، نوعی رویارویی یا مکالمه میان دو صدای جداگانه است که هیچ یک از آنان بردیگری برتری ندارد.» (مکاریک، ۱۳۹۱، ۴۱۸) در این معنا منتقد با اثر ادبی حرف می‌زند.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

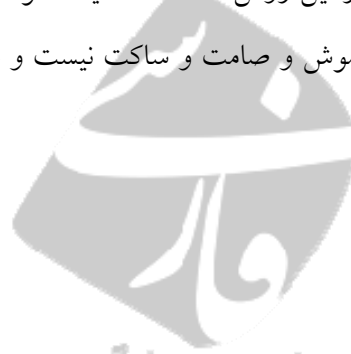
## نتیجه گیری

نقد ادبی در سیر تطور خود با تغییرات گوناگونی همراه بوده است. اگر عمده نویسندگان قبل از دهه ۵۰ میلادی در نقد تنها هدف مولف را در نظر داشتند و "نویسنده محور" بودند، منتقدان بعد از این دهه عمدتاً نقطه عطف توجهشان را از نویسنده به متن معطوف داشتند. این نظریه پردازان معتقدند نویسنده بعد از تولید اثر خود می‌میرد و ما تنها با متن روبرو هستیم. اما حدوداً بعد از دهه هفتاد و با نظریه پردازی بزرگانی چون باختین و دیگران نقد ادبی وارد مرحله تازه‌ای شد که به آن گفتگومندی یا رابطه گفتمانی، گفته می‌شود.

در نقد گفتمانی منتقد صرفاً در پی کشف نیات و اهداف مولف نیست و صرفاً هم متن را تنها مرجع درک معنا نمی‌داند. منتقد و متن هر دو در سطحی یکسان و ارزشی برابر با هم به گفتگو می‌پردازند و معنا حاصل این گفتگوست. در این روش منتقد شخصیت خود را حفظ کرده و با متن مانند یک موجود زنده دیالوگ می‌کند. اینجا دیگر متن خاموش و صامت و ساکت نیست و همچنین منتقد در تولید و آفرینش معنا هم‌مطراز با متن به تولید معنا کمک می‌کند.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)



### فهرست منابع

- آقا گل زاده، فردوس، *تحلیل گفتمان انتقادی*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۵
- احمدی بابک، *ساختار و تاویل متن*، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۲
- ام.اچ. ایبرمز و هرفم جفری گالت، *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*، مترجم سعید سبزیان.م، تهران رهنما ۱۳۸۷
- داد سیما، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، نشر مروارید تهران، چاپ دوم ۱۳۸۳
- سلطانی سید علی اصغر، قدرت، *گفتمان و زبان*، نشر نی، تهران، چاپ سوم ۱۳۹۱
- شعیری حمیدرضا، *تجزیه و تحلیل نشانه-معنا شناختی گفتمان*، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۹
- مدرس، فاطمه، *فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۹۰
- کالر جانانان، *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز ۱۳۸۲
- کهنمویی پور ژاله، *خطاط نسربین دخت*، افخمی علی، *فرهنگ توصیفی نقد ادبی*، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- کلیگز مری، *درسنامه نظریه ادبی*، ترجمه جلال سخنور، الاهی دهنوی، سعید سبزیان.م، نشر اختران، تهران ۱۳۸۸
- مکاریک، *شیوه‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، نشر آگه، تهران ۱۳۹۱
- میلز، سارا، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، نشر هزاره سوم، چاپ دوم، زنجان ۱۳۸۸
- نامور مطلق بهمن و کنگرانی منیژه، *گفتگومندی در ادبیات و هنر*، مجموعه مقالات نقد ادبی، انتشارات سخن، تهران ۱۳۹۰
- وبستر راجر، *پیش درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه الهه دهنوی، نشر روزگار، تهران ۱۳۸۲

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir